

# بمکافه

@anjomanalzahra

@anjoman\_islami\_alzahra

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهراء(س)

سال هشتم • ویژهنامه بلوای زرا

۱۲ صفحه • مهر ماه ۱۴۰۲

ماهنامه سیاسی



## ویژه نامه آشوب، آتش، هتاک



## آدم زنده و کیل وصی نمی‌خواهد!

موقعیت دانشگاه الزهرا (س) در پازل بلوای ۱۴۰۱

● هدیه گیاه تازه - مدیر مسئول نشریه بی تعارف

خارجی بازتاب پیدا کرد. البته اینکه چرا باید یک دعوا در بی‌آرتی تهران بین دو دانشجوی دانشگاه الزهرا برای شبکه‌هایی با کیلومترها فاصله انقدر مهم بشود هم خودش جای سوال است! و اینکه اساسا چرا باید دعوا بر سر موضوع حجاب انقدر مهم شود هم سوال مهم‌تری است. خلاصه چون درگیری بین دو الزهرایی رخ داده بود، اخبارش خیلی سریع در دانشگاه منتشر شد و خبر تقریبا به گوش همه رسید. پس از گذشت تابستان در اواخر شهریور ماه یک خبر بازهم بسیار مرتبط با موضوع حجاب پخش شد. فوت دختری در گشت پلیس امنیت اخلاقی تقریبا تمام افراد جامعه را در غم و تاسف فرو برد.

هر گروه تلاش می‌کند موفقیت در دانشگاه الزهرا تهران را به ایدئولوژی خودش نسبت دهد و یا اینکه دانشجویان این دانشگاه را در تیم خودش نشان دهد. از قضا تک‌جنسیتی بودن دانشگاه، کمی داستان را جنسیت‌زده هم می‌کند. برخی اعتقادات فمینیستی به آن نسبت می‌دهند و گروه دیگری هم پیشرفت در این دانشگاه را منوط به هویت زن مسلمان به حساب می‌آورند. در بهار ۱۴۰۱، فیلمی از یک جنجال حسابی در بی‌آرتی‌های پایانه شهید افشار تهران منتشر شده که نشان می‌داد دو نفر بر سر موضوع حجاب باهم به شدت درگیر شده‌اند و به سرعت فیلم این درگیری در بخش‌های خبری داخلی و

دانشگاه الزهرا (س) تهران، خصلت خاصی دارد و آن، این است که بیشتر کسانی که قبول می‌شوند در برخورد اول خیلی دوستش ندارند. شاید فکر می‌کنند اتفاقات در آن، همتراز یک دبیرستان بزرگ دخترانه است و یا فکر می‌کنند، دانشگاه الزهرا از نظر تاثیرات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، اثرگذاری کافی را ندارد. بعد از ورود به دانشگاه الزهرا با یک بررسی کوتاه تغییرات جدی در دید انسان رخ می‌دهد. روایت آنچه در ادامه می‌آید، ناظر به همین فضای پراهمیت یک دانشگاه تماما دخترانه است. دانشگاه‌های دخترانه دیگری هم در سطح کشور وجود دارند که هیچ کدام به اندازه الزهرا تهران مشهور نیستند. دانشگاه الزهرا یک دانشگاه مادر، بعد از بهشتی و تهران محسوب می‌شود و بیشتر رشته‌های دانشگاهی در آن تا مقطع دکتری دانشجو می‌پذیرد. به دلیل وجود انواع دانشکده‌ها از حیث زیست، شیمی، الهیات و حقوق تا هنر، فنی و ریاضی، طیف وسیع و تاثیرگذاری از بانوان دانشجویان در آن رفت‌وآمد می‌کنند و به موفقیت‌های قابل دفاعی هم می‌رسند. همین طیف وسیع فکری و اداره یک دانشگاه پرجمعیت توسط بانوان دانشگاه الزهرا تهران را برای هر گروه فکری قابل توجه می‌کند.



به داستان نگاه می‌شد؟ بالاخره وقتی در یک دره پلی باشد و یک نفر بیاید و هی پل را منفجر کند، آن کسی که شغلش پل‌سازی است ناراحت می‌شود؟ به قول معروف برخی بحران‌زا و بحران‌زیست هستند. خلاصه که حرف حق تغییر ساختارها، با بی‌انصافی آدم‌های دروغگو به حاشیه کشیده شد. حق جوان دانشجو بود که این وسط ضایع می‌شد. می‌خواست حرف بزند، حرفش به بیراهه کشیده می‌شد و یا با سوءاستفاده عده‌ای عقیم می‌ماند. می‌خواست سر کلاس برود، با تهدید و دعوای عده‌ای محکوم می‌شد. هرچه هم می‌گفت من موافق کمبودها و مشکلات نیستم و فقط می‌خواهم درس بخوانم، صدایش به جایی نمی‌رسید. می‌خواست گفت‌وگو کند، محکوم به ظلم و خفقان می‌شد و می‌دید نه شنونده‌ای دارد و نه هم‌صحبتی. نه اینکه ما با هم‌وطن خود حرف مشترک نداریم و یا نمی‌توانیم حرف بزنیم؛ بلکه انگار این وسط برخی از این هم‌صحبتی زیاد خرسند نمی‌شدند. امروز از آن روزها، یک سال می‌گذرد. دوستی‌هایی که آن وقت گسسته‌بود، خیلی‌هایش ترمیم شده‌است. وضع اقتصادی کمی دارد بازتر و بهتر می‌شود. مدال‌های رنگارنگی در کشتی و ورزش‌های آسیایی برای ایران کسب می‌شود و روابط بین‌المللی که تلاش می‌شد با به آشوب کشیدن کشور در خطر بیفتد پررنگ‌تر و پردوام‌تر در حال شکل‌گیری است. ما خودمان می‌خواهیم و می‌توانیم که مشکلاتمان را حل کنیم و ملت زنده و کیل وصی نمی‌خواهد...

بی‌ملاحظه بودن و بی‌موالاتی به مقصد اصلی نرسید. هرچند برای اولین بار بود که می‌دیدم در دانشگاه، موافق و مخالف می‌توانند باهم تعامل کنند و از قضا بر خلاف تصور آدم‌های بیرون، افراد منطقی که علی‌الظاهر هیچ سنخیتی هم با هم ندارند، دارند باهم حرف می‌زنند و به نتایج خوبی هم می‌رسند؛ چیزی که با اصرار تلاش می‌شد بر هم بخورد. یک عده اندک حتی سلام را هم با الفاظ ناجور پاسخ می‌گفتند و مکرراً هم اصرار داشتند بگویند، کلا حرف زدن کار خوبی نیست و ما به نقطه‌ای رسیده‌ایم که کلا حرفی باهم نداریم. اصلاً شما بارده بالای حاکمیت زبان مشترک ندارید؛ با هم دانشگاهی‌ات هم زبان مشترک ندارید؟ ما که همه یک‌سری دانشجوییم و هویت مشترکمان را دانشگاه الزهرا ساخته‌است. تا دیروز هم کنار هم در صف سلف غذا می‌خوردیم و می‌گفتیم و می‌خندیدیم؛ یک دفعه انقدر بین ما شکاف افتاد؟ یا یک عده یک منفعتی از شکاف می‌بردند و ساده‌انگارانه

۴ روز بعد از این اتفاق در حالی که هنوز هیچ چیز شفاف نبود، دبیر یکی از تشکل‌های دانشگاه الزهرا به وزارت اطلاعات فراخوانده شد. در حالی که هنوز دانشگاه آرام بود و مشخص نبود التهاب فوت خانم امینی به چه شکل قرار است بروز کند! در اولین تجمع رخ داده در دانشگاه الزهرا، عمده اعتراضات به نحوه جلوگیری از فساد اخلاقی در جامعه بود. شعارها و کلیدواژه‌ها بیشتر حول همین می‌چرخید و برای عمده دانشجویان، اصلاح یک ساختار تا این حد ناصواب اولویت بالایی داشت. هنوز عرق دانشجویان دانشگاه خشک نشده، چندین عکس و فیلم از دانشگاه به شبکه‌های خبری فارسی زبان خارج از ایران مخابره شد. خود دانشجویان معترض هم از این سرعت مخابره اعتراضات خود در بهت و تعجب خاصی فرو رفتند. پس از چند روز و به مرور به نظر می‌رسید، خیلی کسی برای خانم امینی هم ناراحت نبود و مسئله اصلی کم‌کم داشت به حاشیه می‌رفت. در دانشگاه، چند جلسه‌ای هم تریبون آزاد برگزار شد، ولی خب باز هم با

یک دفعه انقدر بین ما شکاف افتاد؟ یا یک عده یک منفعتی از شکاف می‌بردند و ساده‌انگارانه به داستان نگاه می‌شد؟ بالاخره وقتی در یک دره پلی باشد و یک نفر بیاید و هی پل را منفجر کند، آن کسی که شغلش پل‌سازی است ناراحت می‌شود؟ به قول معروف برخی بحران‌زا و بحران‌زیست هستند.

# احترام به جایگاه بانوان حتی در بلوا

حضور رئیس جمهور در جمع ورودی‌های جدید و حواشی پس از آن

● نرگس خطیب دماوندی - سردبیر نشریه بی تعارف



کار وجود داشته این بوده است که ما از فریاد زدن، توهین کردن و حمله کردن به هیچ احدی حتی بالاترین قدرت اجرایی در کشور هم بیم نداریم و در هر زمانی برای رسیدن به خواسته‌های حتی ناحق خود دست به هر عملی خواهیم زد. باید توجه داشت که بخشی از همین قائله که در خصوص کل کل کردن با مسئولین کشوری و دانشگاهی بوده، و بخش دیگری از آن قدرت‌نمایی میان تازه‌واردان به دانشگاه بوده‌است، تا به سایرین القا کنند، در این دانشگاه حرف آخر و تصمیم آخر را آن کسی می‌گیرد که آماده شلوغ کردن دانشگاه و بهم ریختن فضا است و اگر چنین اتفاقاتی رقم نخورد همه چیز برخلاف میل و خواست دانشجوی پیش خواهد رفت. در چنین ایده و تفکری هم نمی‌توان گفت که موفق نبوده‌اند چرا که دانشگاه پس از این ماجرا و ماجراهای بعدی در گیرودار چنین فضایی بوده است. البته که هم‌اکنون هم در تلاش هستند تا این فکر را در میان دانشجویان تقویت کرده و رشد بدهند و این امر را ملکه ذهن سایرین کنند.

به گوش اغتشاشگران رسید و آن لحظه بود که گویی رودست بسیار بزرگی خورده باشند و به منظور تلافی این بی‌خبری، قرار تجمعی را به سرعت شکل دادند. شروع تجمع از صحن شمالی دانشگاه به سمت سالن همایش‌هایی بود که خالی از هر دانشجو یا مسئولی بود. جالب‌تر آنکه، زمانی اغتشاشگران و معترضین وارد دانشگاه شدند و روبه‌روی سالن همایش‌ها تجمع کردند که حدود نزدیک به ۱ ساعت و یا حتی بیشتر از خروج رئیس جمهور گذشته بود، ورود افراد همزمان با اذان ظهر بود و این تناقض میان صحبت‌های آنان وجود داشت چرا که مدعی بودند و تفکرشان این بود که در هنگام تجمع‌شان مسئولین داخل سالن حضور داشته‌اند و صدای اعتراض آنان را شنیده‌اند. در حالی که احتمالاً هیچ‌کس خبر نداشت، شبکه‌های فارسی زبان خارج از کشور اصرار زیادی داشتند تا ثابت کنند زمانی که آقای ریسی در دانشگاه حضور داشته صدای شعاری در دانشگاه بلند بوده است. به هر حال به نظر می‌رسد، مقصودی که در این

۱۶ مهر ۱۴۰۱ بود که رئیس جمهور با همراهی وزیر علوم، وزیر بهداشت، معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده، سرپرست معاونت علمی و فناوری رئیس جمهور و همزمان با ورود دانشجویان جدیدالورود در دانشگاه الزهرا حاضر شده و به ایراد سخنانی در خصوص توانمندی‌های علمی بانوان ایرانی، فضای دانشگاه‌ها، فضای کلی جامعه و به مسائلی از این دست پرداختند.

سخنرانی رئیس جمهور با حضور دانشجویان انجام شد و پس از حضور ایشان در دانشگاه، دانشجویان سال بالایی سالن را ترک کرده و به کلاس‌های درس خود رفتند. نکته مهمی که در اینجا مطرح بود، آن است که تعداد زیادی از دانشجویان، از حضور رئیس جمهور در دانشگاه که برای دانشجویان جدیدالورود تدارک دیده شده بود بی‌خبر بودند و این تنها محدود به عموم دانشجویان هم نمی‌شد، بلکه فعالین جنبش دانشجویی و تشکل‌های انقلابی و اسلامی هم از این امر بی‌خبر بودند. این قوانین بخشی از پروتکل امنیتی سران قواست و حتی مسئولین دانشگاه در بالاترین رده هم تا حدودی احتمال حضور وزیرعطف را محتمل می‌شمردند. پس از اتمام سخنرانی رئیس جمهور و خارج شدن سایر دانشجویان خبر به‌طور گسترده و وسیعی دست‌به‌دست شد تا آنجا که

# کسی که حیا ندارد، ایمان ندارد

مروری بر واقعه بی‌شرمانه هتاکی به مقدسات و اهل بیت در تریبون آزاد دانشگاه الزهرا (س)

● زهرا عظیمی - دبیر سابق انجمن اسلامی دانشجویان الزهرا (س)

سرپرست دانشگاه در بهمن ماه ۱۴۰۱ برکنار شد.

**برخی از مسئولان دانشگاه و دانشجویان گمان می‌کردند که با اغتشاشگران می‌شود صحبت کرد!**

ما در انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا قائل به این هستیم، اگر مسئله یا اعتراضی نیز هست باید از طریق گفتگو حل شود؛ ولی با قشری مواجه بودیم که حاضر به هیچ‌گونه گفتگویی نیستند. گفتمان دفتر تحکیم وحدت، گفتمان مردم‌سالاری دینی است، یعنی اعتقاد داریم دین این بستر را فراهم می‌کند که اگر مردم بخواهند نسبت به موضوعی اعتراض کنند، اگر در بستر دین باشد، می‌توانند این اعتراض را داشته باشند تا حقوق الهی و انسانی آن‌ها زیر سوال نرود.

اما رسماً در پاییز ۱۴۰۱، با عده‌ای مواجه بودیم که به هیچ صراطی مستقیم نبودند و علناً ضدیت خود با اسلام و حکومت اسلامی را به رکیک‌ترین شکل ممکن اذعان می‌کردند. در این مدت چندین کرسی آزاداندیشی و فضای گفتگومحور در دانشگاه برگزار شد؛ ولی کسانی که خود را معترض می‌خواندند حتی یک بار هم حاضر به گفتگو و تبادل نظر با بقیه‌ی دانشجویان نشدند. مدعیان آزادی، اطلاعات شخصی

این مصونیت می‌توانستند هر کار خلاف قانونی را انجام دهند. این افراد اغتشاشگر که حتی یک درصد از دانشجویان دانشگاه را شامل نمی‌شدند، به دلیل فضای امنی که برایشان توسط مسئولین ایجاد شده بود، هر روز وقیح‌تر از قبل می‌شدند. از همان روزهای ابتدایی تجمعات، مشخص بود که مامشات جایز نیست؛ ما نیز به هر نهادی از دانشگاه مراجعه می‌کردیم تا به این قضایا ورود کنند، فایده‌ای نداشت و متأسفانه به خاطر برخی ملاحظات نادرست مامشات را ادامه می‌دادند.

متأسفانه در الزهرا، افرادی را می‌دیدیم که هر روز در صحن دانشگاه و تجمعات حضور داشتند و سر کلاس نمی‌رفتند! اما آن‌ها از درس خود حذف نمی‌شدند! سوال اینجاست که مسئولان آموزش دانشگاه در روزهای عادی بعد از ۳ جلسه عدم حضور، دانشجویان را حذف می‌کردند اما چرا در اتفاقات اخیر چنین برخوردی را نداشتند؟!

انجمن اسلامی دانشجویان، بارها نامه و بیانیه به ریاست و حراست دانشگاه داد تا طی اقدامی موثر، اغتشاشگرانی را که علناً به مقدسات و خط قرمزها اهانت می‌کنند به سزای قانونی خود برسانند، لکن تا ماه‌ها این مامشات ادامه داشت. تا اینکه آنقدر فضای دانشگاه بهم ریخت که

**آنچه از فضای الزهرا منعکس می‌شد، واقعی نبود!**

رسانه‌های خارج‌نشین برنامه ریخته بودند تا تصویرسازی نادرستی از دانشگاه را منعکس کنند. بعضی از دانشجویان نیز در این تجمعات عملاً به پیاده نظام رسانه‌های معاند در دانشگاه تبدیل شده بودند و صرفاً کار آن‌ها عکاسی و تصویرسازی دروغین از دانشگاه الزهرا بود.

**مامشات مسئولان دانشگاه، موثر بر رادیکال شدن فضای دانشگاه بود**

سیاست‌های غلط مسئولین دانشگاه و مامشات با اغتشاشگران باعث شده بود روزبه‌روز تجمعات در دانشگاه رادیکال‌تر و درگیری بین دانشجویان بیشتر شود؛ عملاً هیچ برخوردی از کمیته انضباطی و حراست با آشوبگران در دانشگاه دیده نمی‌شد.

در دانشگاه الزهرا با دانشجویان اندکی مواجه بودیم که صرفاً کارشان این بود که بیایند و شعارهای رکیک جنسی دهند و حاضر به هیچ‌گونه گفتگویی هم نباشند! دلیل این جسارت‌ها و اقدامات رادیکال دانشجویان این بود که افراد فضای دانشگاه را برای هرگونه اقدامی امن می‌دیدند، چون حراست هیچ‌گونه واکنشی از خود نشان نداد و کاملاً منفعل بود. لذا دانشجویان به نوعی مصونیت برایشان می‌آورد و با



«با آل علی هر که در افتاد،  
ور افتاد» و «مسئول بی کفایت،  
استعفا استعفا»

درس عبرت برای کسانی که  
هتاک به مقدسات و اهانت  
به ارزش‌ها مآبشان  
است!

تجمع در مقابل هتاکان به اهل  
بیت، با حضور حدود ۳۰۰ تا  
۴۰۰ نفر از دانشجویان برگزار  
شد و به نوعی اتمام حجت  
کرد که به تاسی از مکتب  
امام روح‌الله اگر مقابل دین ما  
بایستند، مقابل تمام دنیایشان  
خواهیم ایستاد.

ما به عنوان دانشجویان  
مسلمان، اجازه نمی‌دهیم صدا  
و نمود بیرونی دانشگاه فقط  
آن تعداد اندک دانشجویان  
باشد، این دانشجویان کارشان  
صرفاً این بود که با استفاده  
از اقدامات خلاف شان دانشجو  
برای خودشان موفقیت بسازند  
و از افرادی که انسانیت را زیر  
پا می‌گذارند و به مقدسات  
اهانت می‌کنند قهرمان بسازند.



را مورد هتاک قرار داد. این  
اتفاق همانا و بیدار شدن  
غیرت دینی دانشجویان همانا!  
هرچند جای تأثر دارد که تا  
این حد باید لابی‌گر و رد  
کردن خط قرمزها ادامه پیدا  
کند تا دانشجوی مسلمان به  
خود بیاید و به دفاع از اسلام  
و حکومت اسلام به پا خیزد!  
همان روز، فراخوان تجمع در  
مقابل هتاک به مقدسات در  
کانال رسمی انجمن اسلامی  
گذاشته شد و این پیام در



تمام گروه‌های دانشگاه منتشر  
شد. فردای آن روز دانشجویان  
مسلمان دانشگاه تجمع کردند و  
شروع به شعار سر دادن کردند.  
از جمله شعارهای آن‌ها می‌توان  
به این موارد اشاره کرد:  
«اسلام، قرآن، ولایت / سه خط  
قرمزماست»، «دانشجوی هتاک  
اخراج باید گردد»، «حقوق زن  
شعارشون / اهانت افتخارشون»،  
«تو مشتی انگلیسه افسارشون /  
فحش رکیکه کل افکارشون!»،



دانشجویان را در فضای مجازی  
منتشر کردند و با اکانت‌های  
مختلف به دانشجویان انقلابی  
فحاشی می‌کردند.

ماجرای اهانت به مقدسات  
و توهین بی‌شرمانه به  
حضرت علی‌اصغر (ع) در  
تریبون آزاد

این حقیقت محض بود و  
نیازی به آزمون و خطا نداشت  
که قشری که خود را معترض  
و عزادار می‌خوانند، قطعاً  
هدفی جز سرنگونی نظام و به  
آشوب کشیدن دانشگاه ندارند!  
اما معاونت فرهنگی دانشگاه  
گمان می‌کرد که با برگزاری  
تریبون‌های آزاد در سالن‌های  
دانشگاه می‌تواند فضای دانشگاه  
را از تجمعات رادیکال دور کند  
و دانشجویان را به سمت برنامه  
سالنی تریبون آزاد و گفتگو  
هدایت کند. اما زهی خیال  
باطل!

در تاریخ ۲ آبان ۱۴۰۱، در  
تریبون آزادی که با حضور  
ریاست فراکسیون زنان مجلس،  
خانم دکتر قاسم‌پور برگزار  
می‌شد، فردی آمد که اذعان  
کرد قصد خودکشی ندارد و  
مواد مخدر هم استفاده نکرده  
است... در ادامه با کلماتی  
رکیک، روزه‌های ابا عبدالله  
و ماجرای حضرت علی‌اصغر

# آشوب، آتش، هتاکی!

تئاتری با بازی سیاه‌رویان تاریخ جنبش دانشجویی، روایت چهلم مهسا امینی در دانشگاه

● زهرا سعیدی - دبیر انجمن اسلامی دانشجویان الزهرا (س)

۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر در صحن شمالی حضور داشتند که به شعار دادن پرداختند. شعارهایی که همه از جنس مخالفت علنی با نظام بود و چاشنی آن فحاشی به مقدسات و ارزش‌های اصیل اسلامی بود.

## حضور گارد پلیس

گارد ویژه پلیس که ابتدا در میدان

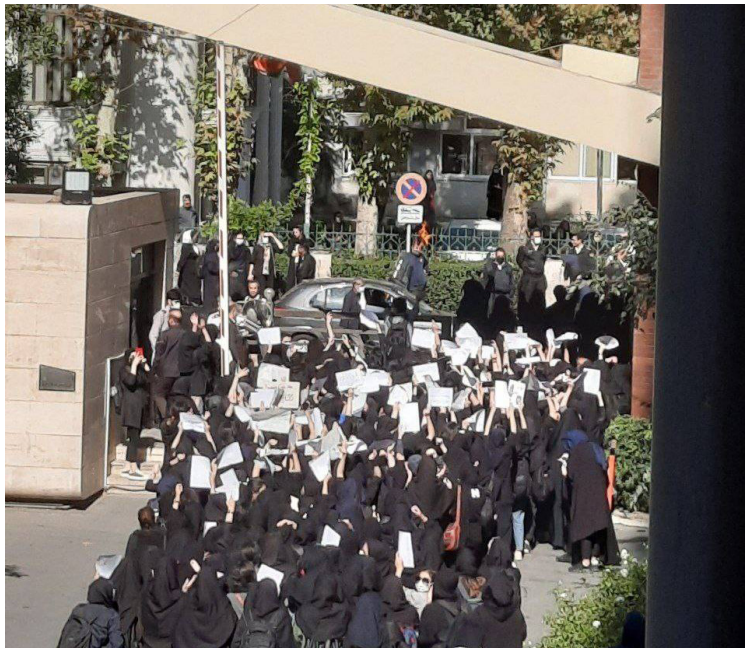
یک تجمع رادیکال با شعارهای هنجارشکنانه شود. لکن حراست دانشگاه، هیچ اقدامی نکرد. انقلابیون دانشگاه در صحن‌های مختلف پراکنده شدند تا اعضای خود را فرا بخوانند و به صحن شمال بیاورند. اما متأسفانه بسیاری از دانشجویان انقلابی خوش‌بینی

برخی دانشگاه‌های کشور، جریان‌های مخالف نظام اسلامی، فراخوانی برای تجمع اعتراضی داده‌بودند. البته که آنها نه «می‌دانستند» اعتراض چیست و نه «می‌خواستند» که به مسئله‌ای اعتراض کنند! پر واضح بود که جریان اغتشاشگر، توسط رهبران فکری و رسانه‌ای معاند لیدری می‌شد.

و اما در روز ۴ آبان ۱۴۰۱، مصادف با چهلمین روز گذشته از فوت مهسا امینی، در دانشگاه الزهرا (س) چه گذشت؟!

## شکل‌گیری هسته‌ی اصلی تجمع در صحن شمالی دانشگاه

ساعت ۱۱ ظهر، هسته‌ی اصلی تجمع در صحن شمالی دانشگاه شکل گرفت. اعضای انجمن اسلامی و بسیج دانشجویی، با شناسایی این افراد به حراست دانشگاه رجوع کرده و اذعان کردند که عده‌ای قصد تجمع دارند و باید آنها را پراکنده کنند تا مانع از وقوع



ده‌ونک حضور داشت به سمت دانشگاه الزهرا حرکت کرد. صدای شعارهای هنجارشکنانه‌شان بلندتر از روزهای گذشته بود. جالب اینجا بود که افرادی هم از بیرون دانشگاه به این تجمع پیوسته بودند و پشت نرده‌های دانشگاه شعار می‌دادند. اتفاق عجیب‌تر اینکه یکی از خانم‌هایی که بیرون از دانشگاه در حال شور دادن به دانشجویان داخل دانشگاه بود، یک

زیادی به خرج دادند و گمان کردند که امروز این تجمع به سرانجام نخواهد رسید و نیازی به حضور حداکثری انقلابیون دانشگاه نیست. به طور قطع، در جمعیت یازده هزار نفری دانشگاه الزهرا، تعداد عناصر انقلابی به مراتب بیشتر از دانشجویان اغتشاشگر است. حدود ساعت ۱۲ ظهر، تعداد افرادی که قصد داشتند به فراخوان پیوندند، افزایش پیدا کرد. حدود





قلاده سگ با جثه ای بزرگ با خود به همراه داشت که از بین نرده‌ها سرش را داخل کرده و پارس می‌کرد!

حدود ساعت دوازده و نیم تجمع دانشجویان اغتشاشگر به سمت در شمالی (سردر اصلی دانشگاه) حرکت کردند و تجمع خود را به سردر متمرکز کردند. در شمالی دانشگاه به طور کامل بسته شد و امکان خارج شدن از دانشگاه عملاً وجود نداشت. زیرا هم از بیرون سردر افرادی تجمع تشکیل داده بودند و هم داخل دانشگاه تجمع شکل گرفته بود.

### ریختن رنگ قرمز در سلف مرکزی

در همین حین، در گروه‌های افراد اغتشاشگر این پیام منتشر شد که قصد دارند با رنگ قرمز، دیوار سلف مرکزی دانشگاه را رنگ خون کنند. اعضای انجمن اسلامی که از این خبر مطلع شدند به سرعت آنجا رفتند تا مانع از این عمل شوند. چند تن از نیروهای حراست دانشگاه در تاق‌دیس یاس (محوطه‌ای که در آن سلف مرکزی و کتابخانه مرکزی وجود دارد) حضور داشتند و مانع از این شدند که اعضای انجمن اسلامی به طبقه دوم سلف بروند. اما کار از کار گذشته بود و گویا یکی از اغتشاشگران طبقه دوم سلف کمین کرده بود و منتظر

فرصت بود تا ظرف رنگ را از دیوار طبقه دوم بریزد!!

دقیقا بعد از این اتفاق، حدس زدیم که فردی که این عمل شنیع را مرتکب شده‌است، در همین حوزه است و هنوز فرار نکرده‌است. لذا اعضای انجمن اسلامی در محوطه شرقی دانشگاه پراکنده شدند به قصد پیدا کردن فرد مجرم! اما این اتفاق میسر نشد و دانشجوی مجرم از مسیرهای فرعی دانشگاه فرار کرده‌بود.

### انقلابیون در صحن شمال مقابل اغتشاشگران چه کردند؟!

در این میان دانشجویان انقلابی که در مقابل آنها بودند تعداد کمی داشتند، زیرا اغتشاشگران دست به اعمال رادیکال می‌زدند و منتظر زد و خورد بودند، اما همین تعداد اندک هم به شعار دادن پرداختند. برخی شعارهای آنان این موارد بود: «خونی که در رگ ماست، هدیه به رهبر ماست»، «به اسم زن رسیدن، چادر از سر کشیدن»، «مهسا مهسا شعارشون، اهانت افتخارشون»، «فتنه‌گر بی‌ریشه، ایران دمشق نمیشن».

چندین بار قصد کردند تا به لیدر جریان انقلابی که از انجمن اسلامی بود، حمله کنند و ضرب و شتم صورت بگیرد. یک بار دیگر هم در روزهای قبل از چهلم مهسا امنی، این اتفاق افتاده بود. به طوری که چادر از سر انقلابیون کشیده بودند، آنها را مورد ضرب و شتم قرار داده‌بودند. اما این بار به کمک اعضای انقلابی حاضر، به این هدف خود نرسیدند.

### سوزاندن شال سفید در بالای سردر اصلی دانشگاه

حدود ساعت ۱ ظهر یکی دو نفر از اغتشاشگران بالای سردر دانشگاه رفتند و شال‌های سفید خود را آتش زدند. فیلم‌ها و عکس‌های این

تجمع به سرعت در رسانه‌های ایران اینترنشنال و بی‌بی‌سی منتشر شد.

گویی یک صحنه تئاتر از بازی بازیگران مختلف برای نقشه شوم چهلم مهسا امینی در دانشگاه الزهرا کشیده بودند. لازم به ذکر است که همه‌ی افراد اغتشاشگر ماسک زده بودند و تقریباً لباس‌های مشکی یا رنگ تیره‌ی ساده و شبیه بهم پوشیده بودند تا از شناسایی شدن‌شان جلوگیری شود.

### مسئولان دانشگاه کجای ماجرا بودند؟!

متأسفانه مسئولان دانشگاه در صحن حضور داشتند! حضور داشتند و هیچ کاری نکردند. آنها صرفاً به تماشای آشوب اکتفا کرده بودند. البته برخی از اساتید انقلابی هم وجود داشتند که سعی می‌کردند گفت‌وگو کنند! اما در جنگ که جای گفت‌وگو نیست! دانشگاه عملاً تبدیل به صحنه آشوب و آتش و هتاک‌ی تبدیل شده بود. لازم‌هی گفت‌وگو بکارگیری قوه منطقی بود! اما این جماعت محروم از این قوه بودند، صرفاً به شعار دادن رادیکال و هتاک‌ی می‌پرداختند.

### اما در آخر چه شد؟!

دانشجویان انقلابی علاوه بر اینکه به در مقابله با افراد اغتشاشگر می‌پرداختند، در مطالبه از مسئولان و حراست دانشگاه هم کنش کردند. چندین بار نامه به ریاست و حراست دانشگاه دادند برای اینکه به برخورد قانونی علیه دانشجویانی که قصد به آشوب کشیدن دانشگاه را دارند. در صحن‌های دانشگاه، بردهایی مبنی بر اینکه دانشجوی هتاک اخراج باید شود، یا با دانشجویانی که دانشگاه را ملعبه‌ی خود قرار داده‌اند، برخورد قانونی باید شود، و امثال این مطالبات در تمام صحن‌ها نصب می‌شد.



# مخفی کردن ناتوانی با پوشش رنگ

هر هنری، هنری اعتراضی نیست

نرگس علینقیان - دبیر واحد تشکیلات

زدن و ایجاد ناهنجاری در دانشگاه هیچ سودی ندارد و حتی شان هنر اعتراضی را نیز به سطحی پایین می‌کشانند و آن را مبتذل می‌کند.

از جمله دیگر رفتارهایی که سال گذشته در دانشگاه الزهرا (س) چنین افرادی به نام هنر اعتراضی به خورد دانشجویان می‌دادند، آویزان کردن اسامی و عکس‌های مجرمانی بود که در طول اغتشاشات سبب شهادت جوانان بسیجی بسیاری شدند. آنان بدون آن که ذره‌ای انصاف داشته باشند، به راحتی جای جلا و شهید را عوض کرده و به کار خود افتخار نیز می‌کردند.

از دیگر مظاهر مضحک، که به نام هنر اعتراضی در دانشگاه به اجرا درآوردند، نشست و بستن خود به میله‌ای در دانشگاه بود! آن هم در اعتراض به خبری که کذب بودن آن بر همگان روشن شده بود (ماجرای خدانور لجه‌ای که سارقی سابقه‌دار بود و خبر دستگیری او در رسانه‌های معاندین با سناریوی دروغین منتشر شد). اما باز هم چنین افرادی با سطح پایین اطلاعات خود اصرار داشتند تا خبری دروغین را، صادق جلوه دهند. دور هم جمع شدن و خواندن آهنگ «برای» که دارای مفاهیم ضد و نقیضی در درون خود بود نیز از جمله حرکتی بود که این افراد با نام هنر اعتراضی انجام می‌دادند. بعید می‌دانم حتی این‌گونه دانشجویانها یک بار جملات شعر را برای خود معنی کرده باشند!

به هر صورت چیزی که سال گذشته در دانشگاه مشاهده شد به هیچ جنبشی شباهت نداشت. حتی دانشجویانی که به گمان خود معترض بودند، از فرط ناتوانی در سواد خود، روی به فحاشی آورده بودند و حرکات نامتعارفی چون ریختن سطل رنگ بر روی در و دیوار دانشگاه را کنش اعتراضی می‌نامیدند. حیف و صد حیف که این چنین دانشجویانها با بی‌سوادی خود مقام دانشگاه و دانشجو را به ابتذال کشاندند.

معترض در بلوای سال گذشته، دیده و شنیده نشد. دانشجویانی که به‌زعم خودشان معترض بوده‌اند، با جلوگیری از تشکیل کلاس‌های درس که بستری مهم برای هم‌اندیشی بود، خود در ابتدای کار مسیر گفتگو را نادیده گرفتند. در میان آن‌ها که می‌رفتند تا ببینی چه گفتمانی را می‌خواهند پیاده سازند، هیچ نمی‌دانستند و با فحاشی جواب هرگونه سخن منطقی را می‌دادند. هیچ استدلال قابل بررسی نمی‌توانستی در میان کلام آن‌ها مشاهده کنی و زمانی که با منطق سعی می‌شد تا گفتگویی دو طرفه شکل گیرد، با تهدید و همراه آن فحاشی به کل حکومت تلاش بر آن داشتند تا مانند یک کنشگر معترض عمل کنند اما به واقع که تنها راه مبارزه را در فحاشی به مخالف خود می‌دانستند.

از اولین راه مبارزاتی‌شان که فحاشی بود بگذریم، به دومین آن و به‌زعم خودشان به هنر اعتراضی که انجام می‌دادند می‌رسیم. البته هنر که چه عرض کنم؛ در حقیقت نوعی وندالیسم را می‌شد مشاهده کرد که از نظر آنان هنر اعتراضی نام گرفت!

در ابتدا در تعریف هنر اعتراضی می‌بایست توضیح دهم که این حرکت در واقع آمیختن کنش با هنر است تا بتوان به واسطه آن مفهومی اعتراضی را به دیگری نشان داد. فی‌المثل، پیکاسو در نقاشی معروف خود که به گرینیکا شهرت دارد به وسیله هنر جنگ را نکوهش می‌کند و زمانی که سفیر نازی برای نخستین بار این نقاشی را می‌بیند با حیرت خطاب به پیکاسو می‌گوید: «این کار شما است؟» و پیکاسو در جواب به هوشمندی پاسخ می‌دهد: «خیر، این کار شما است.»

این‌گونه مظاهر هنر را هنر اعتراضی می‌نامند که البته به‌زعم دانشجویان به اصطلاح معترض در بلوای سال پیش، هر کار زرد و بی‌مایه‌ای می‌تواند هنر اعتراضی نام گیرد. به گمان آنان، ریختن رنگ به در و دیوار کلاس‌های درسی، نوعی هنر اعتراضی است! حرکاتی که جز آسیب

به‌طور معمول و در طول تاریخ عمده کسانی که در حوادث و جریانات اعتراض‌محور، دست به اقدام و کنشی برای رفع وضع موجود می‌زنند، نخبگان یک جامعه می‌باشند. نخبگان، عموماً دانشجویان و افراد تحصیل‌کرده‌ای می‌باشند که با اطلاع از وضع موجود در یک جامعه برای اصلاح آن دست به کنش اعتراضی می‌زنند. بنابراین شایسته است تا فردی که خود را معترض و علی‌الخصوص دانشجوی نخبه و معترض می‌داند، به اندازه‌ای سواد درخور توجه داشته باشد که به اقداماتی که انجام می‌دهد بتوان گفت کنش اعتراضی.

برای مثال انواع اعتراضات دانشجویی در اروپا و آمریکا که در واکنش به نظام سرمایه‌داری در طول تاریخ به وقوع پیوسته است، نمونه‌ای از این دست اعتراضات می‌باشد. فی‌المثل اعتراضات دانشجویان کره جنوبی نسبت به سیاست‌های دولت کره در می ۱۹۸۰ نیز نمونه‌ای دیگر از اعتراضات دانشجویی است.

این‌ها تنها نمونه‌هایی چند از کنش‌های اعتراضی است که دانشجویان ملیت‌های گوناگون، متناسب با وضعیت کشور خود که نسبت به آن آگاهی داشته‌اند رقم زده‌اند. در حقیقت دانشجویی که خود را دغدغه‌مند و معترض به وضعیتی در جامعه می‌داند، دارای سطحی از سواد می‌باشد که حتی اگر بخواهد تغییری بنیادین در جامعه ایجاد کند، حداقل بداند که تفاوت میان واژگانی چون انقلاب، جنبش و... چیست!

حال نگاهی بیندازیم به بلوای ۱۴۰۱ در دانشگاه‌ها و در میان دانشجویانی که خود را به اصطلاح معترض می‌دانستند. با توجه به ویژگی‌های قاعده‌مندی که درباره شکل‌گیری یک کنش اعتراضی مطرح کردیم، باید بدانید که دست کم حداقل سواد برای تفکیک انقلاب از جنبش میان دانشجوی معترض امر مهمی است. امری که در میان دانشجویان به اصطلاح

## گرد سراب گشتند!

مروری بر آن چه آتش بلوا را به خاکستر تبدیل کرد

زهرا محمدی - دبیر واحد فرهنگی

برای آنها شاید، این راه انقدر هم حق طلبانه و غیورانه نباشد یا شاید هم باشد اما دیگر شور و هیجانی برای آن نیست. از آن جایی که هیچ کجای این مسیر، باعث نمی‌شد به آورده‌های مثبتی دست یابند. گیر جاده‌ای شده بودند که سروتهدی مشخص نداشت و حتی اگر پایان احتمالی‌ای برای آن متصور می‌شدند، مشخصا دیگر پایان مطلوبی نمی‌توانست باشد.

در بین شعارهایی که مخالفان معترضان سر می‌دادند، از تجزیه هم گفته می‌شد، از منافق، از ایران، از ما و برای تمام این‌ها آن روز، تنها شعارهایی بلندتر، پاسخ می‌شد و صدایی شنیده نمی‌شد. پس از گذشت دقایقی از همان اولین تجمع‌ها، فیلم‌ها و تصاویر دانشگاه از پیچ مسیح علی‌نژاد و ایران‌اینترنشنال پخش می‌شد. شعارهایی که در دانشگاه الزهرا برای اولین بار سر داده می‌شد، از فردای آن روز در دانشگاه‌های دیگر شنیده می‌شد. همه چیز روابط واضح عده‌ای را با خارج‌نشینان منفعت‌طلب ضد ایران و ضد اسلام به رخ می‌کشید. اما در بین راه، در لابه‌لای این شلوغی‌های پرهیجان، خیلی چیزها مشخص شد؛ مشخص شد آبی از خارج‌نشینان فراخوان‌چین گرم نخواهد شد و مشخص شد آن‌که به فکر ایران است، آن‌که به فکر ماست، خود ماییم، اگر به فکر خودمان باشیم.

فهمیدند آن‌که از دورها، در خانه‌ی خود نشسته‌است و جوانان

برای تنها افراد باقی‌مانده که قصد ادامه‌ی این مسیر را داشتند، شعارنویسی‌ها بود. پس از گذشت مدتی، از آن فضای تند و هیجانی، تنها شعارهایی بر دیوار به‌جای مانده بود که آن را نیز روزبه‌روز کمرنگ‌تر یافتیم.

اما چه شد؟ چرا چشم باز کردیم و مسیری که در فضای مجازی با تمام توان قصد در حال صعود نمایان کردنش را داشتند، مسکون دیدیم؟

برای رسیدن به پاسخ این سوال شاید بهتر باشد اول از چرایی نقطه‌های اوج این ماجرا بگوییم. عده‌ای را می‌بینیم که آگاهانه یا ناآگاهانه، در مسیری قرار گرفته‌اند که غیورانه به نظر می‌آید، حس قدرت، شجاعت و حق‌طلبی به همراه دارد؛ احساساتی که رسیدن به آن، خود، نوعی هدف می‌شود. عده‌ای گیر در ماجراهایی شده‌اند که تفکیک درست و غلط آن را گم کرده‌اند و عده‌ای هم در شور و هیجان ویژه‌ی این احوالات غرق شده‌اند و از درک آن، لذت می‌برند و دلایل دیگری که هر یک شاید بی‌تاثیر در رضایت از شرکت در چنین تجمعاتی نباشد؛ اما با همه‌ی این اوصاف نمی‌شود ذکر نکرد که از بین این چند هزار نفر دانشجوی دانشگاه الزهرا، در بیشترین حالت و البته در معدودترین دفعات، بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ نفر به این تجمعات پیوستند و از آن عبور کردند.

در روزهای بعد اما شمع این انگیزه‌ها، یک‌به‌یک خاموش شد.

از شبی که خبر فوت دختر خانمی را شنیدیم، تا شلوغی‌های روزهای بعد از آن، صحبت‌های بسیاری شده است. می‌دانیم که مسیر این تجمع‌ها و بعد هم اغتشاشات، از اطراف این ماجرا نیز کنار کشیده شده بود و همه‌چیز ابعاد سیاسی دیگری داشت. در فضای دانشگاه الزهرا هم روز اول تجمع با روز دوم آن و به همین ترتیب روز دوم با روز بعدی فرق داشت. اگر روستی سوزانده شد و عده‌ای سکوت کردند، اگر حکم مقدس و محکم خدا سوزانده شد و عده‌ای سکوت کردند، روز بعد همه‌چیز آشکارتر بود؛ شعارهایی به زبان رانده‌شد، آشکارتر؛ قصد لگدمالی حریم‌هایی پیدا شد، آشکارتر و تلاش‌ها برای هنجارشکنی‌های ضد هویت اصیل ایرانی و اسلامی مردم کشورمان، بیشتر شد. اما این خط، مسیر روبه‌بالایی را طی نکرد. چند روزی گذشت و فراخوان‌ها بی‌ثمر و بی‌ثمرتر شد؛ آن تعداد انگشت‌شماری هم که هماهنگ می‌شدند، با کم بودن افراد، ناچار به بی‌حرکی می‌شدند و راه فراخوان و تجمع، کم‌کم به بن‌بست واضحی رسید که باید برای خاموش نشدن این هیجانانگ، دنبال راه دیگری می‌گشتند. اعتصابات هم آرام‌آرام داشت نتیجه‌ی خود را از دست می‌داد. چندنفری هم که تلاش می‌کردند با تحصن در جلوی دانشکده‌ها دیگران را به اعتصاب وادار کنند، به‌مرور از این امر نیز گذشتند. شاید تنها راه باقی‌مانده

برخی ماجراهای ساخته شده، آشکار می‌شد و نمایان می‌شد که چه هیزماهای پوچ، ساختگی و دور از حقیقتی برای گر گرفتن آتش ناآرامی‌ها در کشور ریخته شده بود و چه احساساتی که با دروغ‌ها به جوشش افتاده بود و چه بازی‌ها برای اوج گرفتن اعتراضات خشونت‌آمیز و شکل‌گیری اغتشاشات شکل گرفت بود.

تمام این‌ها آرام‌آرام، فراخوان‌ها را به فراخوان‌های ناموفق تبدیل کرد و فضای کشور، بعد از هزینه‌هایی که جوانان این مملکت متحملش شدند، بعد از رفتن آرمان‌ها و روح‌الله‌ها، دوباره از التهاب‌های کاذب رها شد و آن عده‌ی آتش‌بیار هم دیگر از فراخوان دادن، دست شستند.

دختران دانشگاه الزهرا، امروز دانسته‌اند برای دست‌یابی به هویت زنانه، نشد و نمی‌شود در تودرتوهای پوچ هویت‌زدا گشت؛ برای رسیدن به آزادی، نمی‌شود در مسیر سلب آزادی‌ها گم شد و برای زندگی، نمی‌شود زندگی گرفت.

اما در بین راه، در لابه‌لای این شلوغی‌های پرهیجان، خیلی چیزها مشخص شد؛ مشخص شد آبی از خارج‌نشینان فراخوان‌چین گرم نخواهد شد و مشخص شد آن‌که به فکر ایران است، آن‌که به فکر ماست، خود ماییم، اگر به فکر خودمان باشیم.

ما را به جان هم انداخته‌است، با دست‌ان‌ها، یکی را به شهادت رسانده‌است و یکی را به اعدام، راهی که نشان می‌دهد، ختم به آزادی نخواهد شد.

در مدتی که فضای مجازی به عده‌ای، ایرانی را نشان می‌داد که پر است از مخالفان نظام، از مخالفان اسلام و چند قدمی تا به پایان رساندنش نمانده‌است، ثمر این تجمعات شد دیدن مردم مسلمانی که برای ایستادگی در راه اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی، باکی ندارند؛ شد دیدن این‌که مردم ایران هرچقدر هم به برخی چیزها معترض‌اند اما اکثریت مسلمانی هستند که هم‌صدا با اسلام‌ستیزان نخواهند شد، ایرانیانی هستند که هم‌صدا با تجزیه‌طلبان نخواهند شد؛ مردم ایران در خانه‌هایی بزرگ شده‌اند که در سفره‌اش نان حلال بوده‌است و دیوارهایش شاهد روضه‌های خانگی؛ فهمیدند یک‌سری چیزها در خون مردم ایران جریان یافته‌است و

نسل‌اندنسل به بعدی‌ها پیوند می‌خورد. نا امید شدن از نتیجه‌بخش بودن این نوع اعتراض، کم‌رنگ شدن رنگ‌وبوی زن، زندگی یا آزادی در این نوع از هنجارشکنی‌های خشونت‌طلبانه، الفاظ رکیک، فضای ناآرام و متشنج، باعث ناامید شدن از همراهی باقی دانشجویها شد. از سمت دیگر، حقیقت برخی ادعاهای صورت گرفته، برخی اخبار منتشر شده،



انجمن اسلامی دانشگاه الزهرا (س) در صفحات مجازی:

@anjoman\_islami\_alzahra

@anjomanalzahra

شماره تماس: ۰۹۳۹۱۰۰۶۸۴۷ / ۰۲۶۰۴۸۰۲۱۸۸

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا (س)

مدیر مسئول: هدیه گیاه‌تازه

سردبیر: نرگس خطیب دماوندی

صفحه آرا: زهرا جعفری

